

محمد تاجران جهانگرد ایرانی:

هنوز نتوانستم آموزش محیط زیست را به مدارس ایران ببرم

دو سال است که محمد تاجران شعار "ما نیازمند به درختان هستیم (we need trees)" را ترک دوچرخه‌اش نشانده و کشورهای مختلف جهان را رکاب می‌زند. این دوچرخه‌سوار ۳۲ ساله مشهدی که هدف اصلی‌اش اشاعه حفظ محیط است در مدارس شهرهای کشورهای مختلف جهان کلاس‌های آموزشی محیط زیستی برگزار می‌کند و به همراه بچه‌ها نهالی را در خاک آن کشور می‌کارد تا یاد آموزش‌هایش همیشه در خاطر فرزندان جهان زنده بماند. او از کودکی به دوچرخه‌سواری علاقمند بود و تا کنون ۲۰ هزار و پانصد کیلومتر از رویاهای کودکی‌اش را رکاب زده است و قصد سفر به ۵ قاره جهان را دارد. اما تا کنون موفق نشده است که این آموزش‌ها را در کلاس‌های درس مدارس ایرانی ببرد. در این شماره فرصتی دست داد تا گفت‌وگویی با این جهانگرد ایرانی داشته باشیم که در پی می‌آید.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

ایده دوچرخه سواری با هدف درختکاری از چه زمانی در دهستان نقش بست؟

از بچگی به سفر و دوچرخه سواری علاقه مند بودم و این همیشه در رویاهای من وجود داشت اما ورزش دوچرخه سواری را به صورت حرفه‌ای از سال ۷۰ شروع کردم تا حدود سال ۷۸. بعد به سراغ عکاسی حرفه‌ای در طبیعت رفتم و از سال ۸۰ تا ۸۵ کوهنوردی می‌کردم.

چرا برای سفر دوچرخه را انتخاب کردید؟

من به ورزش و مخصوصا دوچرخه سواری علاقه مند هستم و تجربه کار با دوچرخه را هم داشتم و اینکه چون وقتی با دوچرخه سفر می‌کنم سرعت کمی دارم می‌توانم تمام مناظر اطراف را ببینم ولی با اتومبیل یک پنجره کوچک در مقابل من است و آن قدر سرعت بالا است که نمی‌توانم اطراف را ببینم.

نقطه آغاز سفر از کجا بود؟

پاکستان، البته مرز ایران تا پاکستان را به دلیل ناامنی رکاب نردم در واقع شروع سفر من از شهر کوئته پاکستان بود.

چرا سفرتان را از ایران شروع نکردید؟

دلایل زیادی دارم؛ اما مهم‌ترین دلیل من این بود که در ایران خیلی دوچرخه سواری کرده بودم و می‌خواستم کاری انجام دهم که هیچ شناختی از آن نداشتم.

کسانی هم هستند که در راستای تحقق این شعار "ما نیازمند به درختان هستیم" از شما حمایت کنند؟

تا یک ماه قبل از شروع سفر حتی کسی باور نمی‌کرد که من این کار را انجام دهم اما بعد از اینکه دوستان و اطرافیان دیدند که تصمیم من جدی است با من همکاری کردند و همین‌طور تربیت بدنی استان خراسان. تا اینکه من سفر را شروع کردم و بعد از یک سال هلال احمر نیز همکاری‌های خود را آغاز کرد. حمایت معنوی هم از سوی دوستان دارم که خیلی ارزشمند است.

همسفر هم دارید؟

خدا و دوچرخه‌ام همسفرانم هستند.

تا به حال به چند کشور سفر کرده‌اید؟

۱۲ کشور: پاکستان، هند، نپال، بنگلادش، مالزی، تایلند، کامبرگ، ویتنام، لائس، اندونزی، نیوزلند و استرالیا.

مردم این کشورها را چگونه دیدید؟

من از کشورها هیچ پیش‌زمینه‌ای نداشتم و تنها حرف‌هایی بود که می‌شنیدم و خیلی از این حرف‌ها شایعه بود. مثلا مردم مالزی به من گفتند: مردم اندونزی دزد هستند. اما به نظر من مردم اندونزی و سوماترا بهترین مردم هستند چون این به من ثابت شد. در اندونزی هوا بسیار گرم بود و من مجبور بودم که هر روز حمام کنم که این حمام در جاهای مختلف مثل دستشویی پمپ بنزین‌ها بود و من مدارک، پول، دوچرخه و هر چه که همراه داشتم می‌گذاشتم و می‌رفتم حمام وقتی برمی‌گشتم کسی

به آنها دست نزده بود. مثلا می‌گفتند مردم استرالیا نژادپرست هستند اما آنها با من خیلی مهربان بودند به همین دلیل من به چیزهایی که می‌گویند توجهی نمی‌کنم.

طبیعت کدام کشور بیشتر در ذهن تان جای پیدا کرد؟

نیوزلند؛ چون هم خیلی زیبا بود و هم مردم خیلی خوبی داشت.

کشورها را بر چه اساسی انتخاب می‌کنید؟

سفرم را از آسیا شروع کردم چون بازتاب رسانه‌ای در آسیا کم است و این فرصت مناسبی برای کسب تجربه بود. هم اینکه این زمان فرصت خوبی برای تقویت زبان انگلیسی است تا بتوانم ارتباطم را با کشورهای اروپایی قوی‌تر کنم.

بعد از آسیا به کدام قاره سفر می‌کنید؟

بین اقیانوسیه و آسیا سفر کردم و سعی ام بر این است که بعد از آسیا به آمریکا سفر کنم که در اواسط فصل بهار است چون بهترین فصل برای سفر به کانادا اواسط اردیبهشت تا اواسط شهریور است بعد از این زمان شرایط آب و هوایی اجازه سفر نمی‌دهد.

قصد رکاب زدن در همه کشورها را دارید؟

بعید می‌دانم که عمرم آن قدر طولانی باشد که بتوانم همه کشورها را ببینم. چون اروپا آخرین قاره‌ای است که در آن رکاب می‌زنم محدودیت زمانی زیادی نخواهم داشت و سعی می‌کنم بیشتر کشورها را ببینم.

فکر می‌کنید در کدام قاره به هدف تان دست پیدا می‌کنید؟

اروپا. به دلیل قدرت رسانه‌ای و اهمیتی که مردم به رسانه می‌دهند زیرا در این مدت همکاری بیشتری را از سوی مردم خواهم داشت.

عبور از شهرها و مسیر خاصی در هر کشور مد نظر است؟

فاکتورهای مختلفی برای انتخاب شهرها وجود دارد؛ در کشورهایی که مرز زمینی دارند چون از یک نقطه وارد می‌شوم و از یک نقطه خارج، به طور طبیعی شهرهایی را انتخاب می‌کنم که در مرز دو کشور قرار دارند. البته مدت اعتبار ویزا، عوامل طبیعت و زیبایی‌های شهرها هم در انتخاب مهم است.



اطلاعات کشورها را چگونه گردآوری می‌کنید؟

هیچ اطلاعاتی تهیه نکرده و به کسی هم توصیه نمی‌کنم که مثل من سفر کند؛ چرا که تنها یک نقشه خام از هر کشور تهیه و مسیرها را مشخص می‌کنم، خیلی وقت‌ها آن مسیرها هم تغییر می‌کنند. ترجیح می‌دهم وقتی وارد یک کشور شدم درباره آن منطقه اطلاعات جمع‌آوری کنم.

در این سفرها پیش آمده که تنها درباره محیط زیست

صحبت کرده و از ملیت خود هیچ حرفی نزده باشید؟

بله چون در مدرسه یک کلاس یک ساعته به من می‌دهند تنها در باره محیط زیست صحبت می‌کنم اما همیشه پرچم ایران را روی لباس من می‌بینید و کشورم را روی نقشه به بچه‌ها نشان می‌دهم.



با این روش زمان را از دست نمی‌دهید؟

البته؛ اما من بیشتر با حسم سفر می‌کنم و در طول سفر از آن الهام می‌گیرم.

بزرگترین مشکل در طول سفر؟

گرفتن ویزا. به دلیل محدودیت‌هایی که برای ایرانی‌ها قائل هستند خیلی سخت ویزا می‌دهند.

مردم وقتی با هدف حفظ محیط زیستی شما به عنوان یک ایرانی آشنا می‌شوند چه برخوردی دارند؟

وقتی یک حرفی زده می‌شود و جامعیت دارد مردم به گوینده توجهی ندارند بلکه آن حرف خیلی برایشان مهم است. با توجه به مشکلاتی که جامعه جهانی با محیط زیست دارد و مسئله اهمیت درختان، گوینده مهم نیست که چه ملیتی دارد مهم آن پیام است بهد از ایجاد ارتباط می‌توان از ملیت و فرهنگ ایرانی سخن گفت.

از لحاظ امنیتی مشکلی برای تان پیش نیامده است؟

من اصلا به این موضوع فکر نمی‌کنم چون وقتی به خطر فکر می‌کنید به وجود می‌آید. هدفم جهانگردی و سفر به باورهایم است. بنابراین اصلا به خطر فکر نمی‌کنم و تا به حال هم هیچ مشکلی نداشتم.



امیدوارم که در آینده هم نداشته باشم.

طراحی جدید است و از استرالیا پشتیبانی و طراحی خواهد شد.

وقتی به ایران باز می‌گردید اوقات تان را چگونه می‌گذارید؟

برای دیدن خانواده به ایران می‌آیم و کارهایی که اتفاقی پیش بیاید انجام می‌دهم. سال گذشته در ایران یک نمایشگاه عکس برگزار کردم و مهم‌ترین هدفم این است که آموزش‌های زیست محیطی و درختکاری را در مدارس کشور خودم انجام دهم. البته سال گذشته می‌خواستم این کار را انجام دهم اما متأسفانه هنوز فضا از نظر فرهنگی در ایران آماده نبود، اما در این زمینه سازمان محیط زیست و سازمان ایرانگردی قول همکاری داده‌اند.

دوری از خانواده ناراحت تان نمی‌کند؟

هفته‌ای یک بار با ایران تماس می‌گیرم و در بدو ورود به هر کشور موبایل تهیه می‌کنم. در این صورت آنها هم می‌توانند با من ارتباط داشته باشند.

طبیعت را چگونه تعریف می‌کنید؟

بشر یک بخشی از طبیعت است و دنیایی که ما در آن زندگی می‌کنیم کاملاً طبیعی است ولی مشکل ما انسان‌ها برخورد غیر منطقی با طبیعت است.

کشوری هم بود که برای رفتن به مدارس نیاز به اخذ مجوز طی مراحل اداری و بوروکراسی داشته باشید؟

گاهی این مسئله پیش می‌آید. مثلاً در هند بعضی از مدارس این اجازه را به من نمی‌دادند، اما جهانگرد و دوچرخه‌سوار بودنم در سایر کشورها یک حسن محسوب می‌شود و این موضوع برای مردم جذاب است.

چرا کوروش را برای معرفی ایران و فرهنگ ایرانی انتخاب کرده‌اید؟

کوروش یک سمبل است و در تمام دنیا اعتبار دارد و همه با او آشنا هستند. مثل اینکه مثلاً وقتی صحبت از موسیقی می‌شود نام بتهوون در اذهان نقش می‌بندد و وقتی که ما از تاریخ و تمدن ایران صحبت می‌کنیم نام کوروش به عنوان یک سمبل مشخص می‌شود. کوروش ۲۵۰۰ سال پیش زندگی می‌کرده و جامعه آن زمان با جامعه‌ای که من در آن زندگی می‌کنم قابل قیاس نیست. من برای معرفی خودم می‌گویم که یک ایرانی هستم و اینکه ایران در کجای دنیا قرار دارد و چه جاذبه‌های طبیعی دارد.

سفر بعدی شما به کجا است؟

قصد داشتم به چین بروم. ولی چون سفارت چین در آن روز که قصد سفر کرده بودم تعطیل بود منصرف شدم. شاید بروم فیلیپین؛ هنوز به طور قطع مشخص نیست.

شما از سفرهایتان گزارش هم تهیه می‌کنید؟

بله. در سفر یک لپ‌تاب همراه دارم که گزارشات سفرم را در سایتم می‌نویسم. البته سایت در دست